نبرد کارگران اصفهان و شکست اصلاح‌طلبان

به دنبال بیکارسازی‌های بی‌رویه، کاهش روزمره سطح زندگی و معیشت کارگران، موجی از خشم و اعتراض میان کارگران شاغل و خیل وسیعی از بیکاران جامعه را فراگرفته است. صنایع نساجی ایران ازجمله آن رشته‌های تولیدی است که در آستانه ورشکستگی کامل قرارگرفته است.

رژیم جمهوری اسلامی در نظر دارد تا با توسل به بیکارسازی‌های وسیع‌تری به بازسازی و نوسازی تکنولوژیک این رشته تولیدی بپردازد. قانون حمایت از صنایع نساجی و مصوبات مجلس در این زمینه به نگرانی بیش‌ازپیش کارگران و امکان بیکاری گسترده‌تر دامن زده است. از سوی دیگر خانه کارگر رژیم اسلامی از عدم مشورت وزرا با خانه کارگر حول مصوبات یادشده و همچنین عدم حضور نمایندگان این تشکل در دیگر نهادهای دولتی صنایع، نارضایتی خود را ابراز داشته بود.

با شدت گرفتن اعتراضات پراکنده کارگری، خانه کارگر در اقدامی مذبوحانه کوشید تا از طریق برپایی یک تظاهرات فرمایشی، موج اعتراضات کارگری را مهار ساخته و به مجرای قانونی سوق دهد. هدف تشکیلات خانه کارگر اصفهان مهار اعتراضات کارگری و سودجویی از آن برای تقویت «جناح اصلاح‌طلب حاکمیت» بود.

از همین رو مقدمات تظاهراتی آرام و ارائه قطعنامه فرمایشی در رد مصوبات مجلس جهت قانونی کردن بیکارسازی‌ها آماده‌شده بود؛ اما به دلیل اختلافات باندهای درونی دولت و ارزیابی نیروهای امنیتی جمهور اسلامی از اوضاع، مجوز قانونی برای این گردهمایی صادر نشد. شرایط اما به‌گونه‌ای شده بود که نهادهای فرمایشی قادر به ممانعت از تظاهرات نشدند.

هزاران نفر از کارگران به همراه خانواده‌های خود دست به تظاهرات گسترده در خیابان‌های شهر زده و سپس به‌سوی مرکز استانداری شهر حرکت کردند. تجمع اعتراضی کارگران اما با واکنش سرکوبگرانه نیروهای سرکوبگر مواجه گشت. تعدادی از کارگران در زدوخورد خیابانی مجروح شده و تعداد نامعلومی نیز دستگیر شدند. نیروهای پلیس با استفاده از گاز اشک‌آور صفوف فشرده کارگران را درهم‌شکسته و به‌سوی آنان یورش بردند.

روزنامه ارتجاعی کیهان، ۱۴ مهرماه، در گزارش خود از حوادث اصفهان چنین نوشت:

> *«حدود ۱۰ هزار نفر از کارگران کارخانجات مختلف نساجی اصفهان پنجشنبه گذشته پس از طی خیابان‌های سطح شهر در مقابل استانداری اجتماع کردند. معترضان که حدود ۵۰۰ نفر از آن‌ها را بانوان تشکیل می‌دادند، شعارهایی علیه مجلس شورای اسلامی، استاندار، وزارت صنایع و نیروی انتظامی سر دادند و تا زمانی که قصد ورود به استانداری را نداشتند، هیچ واکنشی از سوی نیروهای انتظامی صورت نگرفت؛ اما زمانی که تصمیم گرفتند وارد استانداری شوند، مأموران نیروی انتظامی به مقابله با آنان پرداختند. به گزارش خبرنگار ما کارگران معترض بر اثر گاز اشک‌آور پراکنده و تعداد معدودی از آن‌ها در حین فرار اقدام به شکستن شیشه‌های دو سینما و یک کیوسک تلفن پلیس کردند و یک موتورسیکلت را به آتش کشیدند. خیابان‌های اطراف محل تجمع تا ساعات یک بعدازظهر همان روز مسدود بودند.»*

شاکرین دبیر اجرایی خانه کارگر اصفهان نیز گفت که «اغتشاش‌گران افرادی خارج از مجموعه کارگری بودند». تاج‌الدین نماینده اصفهان دراین‌باره گفت که *«اگر وزارت کشور با توجه به حساسیت موضوع و با تعمق و تدبیر کافی عمل می‌نمود قطعاً این تجمع قانونی و آرام برگزار می‌گردید و اشکالاتی هم در کنار آن پدید نمی‌آمد.»* (ایرنا، ۱۷ مهرماه)

خانه کارگر نیز در اطلاعیه خود همین موضع عمومی جناح اصلاح‌طلب را اتخاذ کرده و کوشید تا جناح مقابل را مسئول حوادث پیش‌آمده قلمداد نماید. در اطلاعیه خانه کارگر آمده است که: *«حوادث اخیر اصفهان و درگیری کارگران نساجی اصفهان*

با نیروی انتظامی از نتایج بارز جلوگیری از تحرکات قانونی معترضانه کارگران می‌باشد.» (روزنامه جمهوری اسلامی ۱۶ مهرماه)

هم نماینده مجلس جمهوری اسلام و هم مسئولین خانه کارگر اصفهان و اطلاعیه رسمی این نهاد پلیسی بر یک نکته مشخص انگشت نهاده‌اند: قانونی بودن یا نبودن اعتراضات کارگری. اینان نه از کارگر و اعتراض وی، بلکه از قانون دفاع می‌کنند. قانونی که کارگران را رام و مطیع کرده باشد. وحشت اینان از حرکت غیرقانونی، از انقلاب خشم‌آگین کارگری است که بساط تمامی جناح‌های سرمایه را بر خواهد چید. اعتراضات وسیع بیش از ده هزار کارگر نساجی در اصفهان اما نشان داد که طرح استراتژیک جمهوری اسلامی ایران و کارشناسان مزدبگیرش برای مقابله با مبارزه طبقه کارگر کارایی چندانی ندارد.

کارگران! خانه کارگر، یک نهاد سرکوبگر پلیسی است که در سرکوب مبارزات کارگری طی دو دهه گذشته نقش بسزایی ایفا کرده است. حال که این رژیم ضد کارگری، به دلیل بن‌بست بین‌المللی نظام سرمایه‌داری از یکسو و مبارزات پیگیرانه مردم ناچار به عقب‌نشینی و به اجرا گذاشتن طرح توسعه سیاسی شده، خانه کارگر می‌خواهد در نقش حزب سیاسی کارگری، سهم معینی از قدرت سیاسی را به چنگ آورد.

این امر، پیش از هر چیز مستلزم آن است تا سران و کارشناسان جمهوری اسلامی بتوانند جنبش طبقه ما را از پتانسیل مبارزه سیاسی تهی سازند. به همین سبب خانه کارگر کوشش بر صنفی کردن و سوق دادن مبارزه ما به مجرای قانون دارد؛ اما اصفهان بار دیگر در موج وسیعی از اعتراض کشیده شد. همگان دیدند که چگونه نیروهای سرکوبگر، به گاز اشک‌آور و تهاجم وحشیانه به صفوف ما متوسل شدند. این حوادث بار دیگر این حقیقت را آشکار ساخت که مبارزات ما در عین صنفی بودن، یک مبارزه سیاسی هم هست. این حوادث نشان داد که مبارزات ما درعین‌حال که مبارزه حول خواست‌های کارخانه و کارگری بوده، مبارزه یک طبقه اجتماعی نیز می‌باشد. صفوف اعتراضی ما نشان داد که مبارزه ما همزمان، نبرد زنان نیز هست. این حوادث اما درعین‌حال ضعف‌های اساسی مبارزه طبقه ما در شرایط حاضر را نیز عیان می‌کند؛ توهم بخش قابل‌توجهی از کارگران به خانه کارگر و جنبش اصلاح‌طلب اسلامی بود که زمینه را برای موج‌سواری سیاسی این نهاد ضد کارگری فراهم نمود. توهم به اصلاح‌طلبان حکومتی بود که مسئله مصوبات مجلس و بند (د) قانون حمایت از صنایع نساجی را تبدیل به موضوع مرکزی نارضایتی اخیر کارگران نساجی نمود. همین امر موجب شد تا حرکت اعتراضی کارگران در دایره صنایع نساجی محصور گشته و از یک اتحاد یکپارچه طبقاتی محروم شود. این در حالی است که خانه کارگر، همین روش ضد کارگری خود (استراتژی صنفی و قانونی کردن مبارزات کارگری و ممانعت از حرکت غیرقانونی) را از تجارب سرمایه‌داری جهانی و ابزارهای کنترل مبارزه کارگری، یعنی تشکل‌های صنفی دولتی (و پیشاپیش آن اتحادیه‌های کارگری در اروپا) به وام گرفته است.

کارگران! برای پایان دادن به این زندگی جهنمی، برای خلاص شدن از شر حکام مرتجع مذهبی، برای پایان دادن به تاخت‌وتاز احزاب و باندهای راست و چپ، محافظه‌کار و اصلاح‌طلب، برای ایجاد یک دنیای شایسته بشر امروز، برای رهایی، هیچ راهی جز تشکل‌یابی سیاسی ما وجود ندارد.

«مبارزهٔ طبقاتی» ۴، مهرماه ۱۳۸۰ – تشکیلات کارگران انترناسیونالیست